

## گزارش

# بررسی تحولات سواد و سواد آموزی در ایران طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۷

نویسنده: مهرداد راهداری

### مقدمه

تفکر و اندیشه، همواره برای بشر نعمتی گرانقدر بوده است و این وجه تمایز با سایر موجودات سبب شده است تا انسان در رهگذر تاریخ و در طول زمان به تکامل دست یابد. بی تردید، پیشرفت و گسترش علوم و شئونات جوامع انسانی، در ارتباط مستقیم با علم و دانش قرار دارد و برخورداری از آن به عنوان یک توانایی ارزشمند، شرط ضروری و اجتناب ناپذیر زندگی توأم با رشد ارزشهای انسانی است.

امروزه حیات اقتصادی جوامع پیش از آنکه به وسیله عوامل اصلی تولید، همچون کار و سرمایه، رقم زده شود، با میزان و سطح تعلیمات عمومی جوامع پیوند خورده است و اهمیت تعلیمات عمومی به عنوان ابتدایی ترین وسیله برای نیل به شکوفایی و توسعه مورد تأکید است. با برخورداری آحاد ملت از نعمت سواد، فرهنگ انتقال می یابد، ارزشها تثبیت می گردد و سلامت جوامع تأمین می شود.

● کارشناس دفتر امور آموزش و پرورش سازمان برنامه و بودجه

با مطالعه اجمالی کشورهای در حال توسعه، به روشنی می‌توان به ارتباط مستقیم و مستحکمی که بین عامل سواد و توسعه در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد، پی برد. بیشترین میزان فقر، گرسنگی، بیماری، مرگ و میرزودرس، خرافات، روابط ناسالم اجتماعی، و به ویژه آثار شوم استثمار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در مناطقی از جهان وجود دارد که بیشترین آمار بی‌سوادان و بالاترین شاخص بی‌سوادی را دارا می‌باشند.

اسلام با دیدی واقعگرا، از فضیلت علم آموزی سخن گفته و آن را فریضه‌ای برای هر فرد مسلمان دانسته است. کمتر مذهب یا مکتب مادی یا الهی بدین پایه کلامی بیان کرده است. همچنین رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی "ره"، نیز در فرمان تاریخی خود در مورد تشکیل نهضت سوادآموزی بر این امر تأکید ورزیده و از بیان ایشان مشخص می‌گردد که تحقق هدفهای عالی انقلاب از بعد فرهنگی و تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... منوط به محو بی‌سوادی از جامعه اسلامی می‌باشد.

## ۱. تاریخچه اجمالی سوادآموزی در ایران

نخستین سازمانی که در ایران به طور رسمی آموزش بزرگسالان را به عهده گرفت، سازمان تعلیمات اکابر بود که در سال ۱۳۱۵ تأسیس شد، ولی به دلیل عدم کارایی و موفقیت، در سال ۱۳۲۰ منحل گردید. دومین حرکت در جهت سوادآموزی، آموزش سالمندان طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ بود که با هدایت سازمان علمی، فرهنگی سازمان ملل یونسکو به طور پراکنده در چند شهرستان به اجرا درآمد، اما به دلیل هزینه‌های سنگین اجرا، طرح مورد نظر در سال ۱۳۲۸ متوقف گردید.

سومین سازمان رسمی وابسته به دولت که مسئولیت سوادآموزی بزرگسالان را به عهده گرفت، سازمان آموزش بزرگسالان بود که تا سال ۱۳۴۵ به کار خود ادامه داد، ولی افزایش سریع جمعیت و رقم بالای بزرگسالان بی‌سواد و عدم توانایی دولت در باسواد کردن بی‌سوادان موجب شد که این سازمان توفیق چندانی به دست نیابد. به همین سبب، و به ویژه به دلیل طرح مسئله بی‌سوادی ایران در سطح بین‌المللی، اقدامات ظاهراً دامنهداری با نامهای فریبنده، از جمله سپاه دانش، که با اعزام دیپلمه‌های سرباز به مناطق روستایی از سال ۱۳۴۱ سعی در ریشه‌کنی بی‌سوادی داشت،

شروع شد.

چهارمین سازمان در زمینه سوادآموزی، کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی بود. این سازمان در سال ۱۳۴۳ تشکیل گردید و سعی در از بین بردن بی سوادی در میان اقشار مختلف جامعه را داشت و تا سال ۱۳۴۸ ادامه یافت. طی این مدت، قریب به سه میلیون نفر را تحت پوشش برد. از این میزان، تنها یک میلیون نفر در امتحانات موفق گردیدند. به لحاظ عدم توفیق این طرح، عملاً فعالیت این سازمان به سازمانها و وزارتخانه‌های مختلف واگذار شد.

پنجمین برنامه، توسط سازمان جهاد ملی سوادآموزی، در سال ۱۳۵۴ فعالیت خود را شروع کرد و تا پایان سال ۱۳۵۷ ادامه داشت و هدف آن ریشه کنی بی سوادی تا سال ۱۳۶۶ اعلام شده بود. با توجه به روند سوادآموزی در گذشته به نظر می‌رسد که ریشه کنی بی سوادی تا سال ۱۳۶۶، ادعایی بیش نبوده است. با شروع انقلاب اسلامی و مبارزات مردمی این برنامه تعطیل گردید، و در نهایت، در دی ماه ۱۳۵۸، طی پیام تاریخی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، نهضت سوادآموزی تشکیل گردید که تا به امروز مسئولیت سوادآموزی در ایران را به عهده دارد.

## ۲. بررسی کلی وضعیت جمعیت در سالهای ۱۳۵۵-۱۳۷۵

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت کشور بالغ بر ۳۴ میلیون نفر بوده که این تعداد شامل ۴۷ درصد شهرنشین و ۵۳ درصد روستایی و عشایر بوده است، یعنی بیش از نیمی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کردند. در این سال، جمعیت مردان ایران ۱۷/۴ میلیون نفر و جمعیت زنان برابر ۱۶/۳ میلیون نفر بوده که نسبتهای ۵۱/۶ و ۴۸/۴ درصد را به ترتیب برای مردان و زنان در کل جمعیت آشکار می‌سازد.

همچنین بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۵، جمعیت کل کشور حدود ۴۹/۴ میلیون نفر اعلام گردیده که از این تعداد ۵۴/۲ درصد در شهرها و ۴۵/۸ درصد در روستاها زندگی می‌کرده‌اند. از نظر ترکیب جنسی جمعیت در این سال، از کل جمعیت کشور، تعداد مردان ۲۵/۳ میلیون نفر و تعداد زنان ۲۴/۱ میلیون نفر بوده است که نسبتهای ۵۱/۲ و ۴۸/۸ درصد را برای مردان و زنان در کل جمعیت سال ۱۳۶۵ مشخص می‌کند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت کل کشور ۶۰ میلیون نفر اعلام گردیده است که از این میزان تعداد ۶۱/۳ درصد شهرنشین و ۳۸/۷ روستایی و عشایر بوده و همچنین از کل جمعیت در این سال، میزان ۳۰/۵ میلیون نفر مرد و ۲۹/۵ میلیون نفر زن ترکیب جنسی جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند، یعنی از کل جمعیت، ۵۰/۸ درصد مرد و ۴۹/۲ درصد زن بوده است.

بررسی تطبیقی آمار سالهای مذکور نشان می‌دهد که تغییرات چشمگیری در وضع جمعیتی کشور حاصل شده است، لیکن با توجه به موضوع این گزارش، از تحلیل این تغییرات چشمپوشی کرده و صرفاً به دلیل اهمیتی که بررسی وضع سواد در مناطق شهری و روستایی و در جمعیت مردان و زنان به لحاظ عدالت اجتماعی و محرومیتها در بر دارد، تحلیل مختصری در این زمینه ارائه می‌نماییم.

همان‌طور که در بالا دیدیم، جمعیت زنان نسبت به مردان از رشد بیشتری برخوردار بوده است و با توجه به درصد بالاتر بی‌سوادی در زنان و مسائل فرهنگی در این زمینه حایز اهمیت است. همچنین تغییر ترکیب نسبت جمعیت در مناطق شهری و روستایی، موضوع مهم دیگری است که در تحول جمعیت بین سالهای مذکور قابل مشاهده می‌باشد. در سال ۱۳۵۵ تنها ۴۷/۱ درصد جمعیت کل کشور در مناطق شهری می‌زیسته، حال آنکه این نسبت در سالهای ۱۳۶۵ به ۵۴/۲ درصد و ۱۳۷۵ به ۶۱/۳ درصد افزایش یافته است که توجیه این تغییر و تحول را جز در مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، و در عین حال، تغییر عناوین مناطق از روستایی به شهری به دلیل توسعه و گسترش سریع مناطق مزبور نمی‌توان عنوان کرد.

### ۳. بررسی وضع سواد در ایران در دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵

#### ۳-۱. بررسی وضعیت سواد در جمعیت ۱۵ سال و بیشتر

در حال حاضر، میزان باسوادی در مقیاس بین‌المللی، در محدوده سنی ۱۵ سال و بالاتر سنجیده می‌شود. بر این اساس، بررسی اجمالی وضعیت سواد در این گروه سنی طی دوره‌های مورد مطالعه، پیش از شروع بررسی گروههای سنی تقسیم‌بندی شده، ضروری است.

در سال ۱۳۵۵، جمعیت ۱۵ سال و بیشتر ایران، حدود ۱۸/۷ میلیون نفر بوده است که با

نسبتهای تقریباً مساوی بین زن و مرد و نیز شهر و روستا توزیع شده است. در مقایسه با جمعیت کل ایران و توزیع جنسی و منطقه‌ای آن می‌توان استنباط کرد که بیشتر جمعیت پایین‌تر از ۱۵ سال ایران در سال ۱۳۵۵ در مناطق روستایی سکونت داشته‌اند.

وجود ۶/۷ میلیون نفر باسواد در سال ۱۳۵۵ در گروه سنی ۱۵ سال و بیشتر، ۳۵/۹ درصد میزان باسوادی را آشکار می‌سازد. این شاخص، دربرگیرنده این حقیقت است که بیش از ۶۴ درصد جمعیت ۱۵ سال و بیشتر جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ بی‌سواد بوده‌اند.

جمعیت ۱۵ سال و بیشتر در سال ۱۳۶۵ حدود ۲۷ میلیون نفر و بانسبتهای تقریباً مساوی بین زن و مرد توزیع شده است. اما نسبت استقرار جمعیت در مناطق شهری و روستایی تغییر کرده، و به ترتیب، ۵۷ و ۴۳ درصد را نشان می‌دهد. این تحول به لحاظ جمعیت باسواد دارای اهمیت می‌باشد. در هر حال، ۱۴/۱ میلیون نفر باسواد در این جمعیت و ۵۲/۱ درصد میزان باسوادی، ۱۶/۲ درصد رشد در میزان سواد جمعیت ۱۵ سال و بیشتر در سال ۱۳۶۵ نسبت به میزان سواد جمعیت ۱۵ سال و بیشتر سال ۱۳۵۵ را آشکار می‌سازد.

جمعیت ۱۵ سال و بیشتر ایران در سال ۱۳۷۵، حدود ۳۶/۳ میلیون نفر بوده است که این میزان ۴۹ درصد زن و ۵۱ درصد مرد می‌باشد. از کل جمعیت ۱۵ سال و بیشتر، میزان ۶۳ درصد شهرنشین و ۳۷ درصد روستایی و عشایر می‌باشد. با توجه به ارقام نسبتهای ارائه شده، بیشتر جمعیت ۱۵ سال و بیشتر در شهرها زندگی می‌کنند.

وجود ۲۶/۴ میلیون نفر باسواد در سال ۱۳۷۵ در گروه سنی ۱۵ سال و بیشتر، ۷۲/۸ درصد میزان باسوادی را نشان می‌دهد.

### ۳-۲. بررسی وضع سواد جمعیت ۱۵ سال و بیشتر بر حسب جنس

جمعیت مردان ۱۵ سال و بیشتر ایران در سال ۱۳۵۵ حدود ۹/۵ میلیون نفر بوده که با ۴/۵ میلیون نفر باسواد ۴۷/۹ درصد میزان باسوادی این جمعیت را آشکار ساخته است. این شاخص بیانگر آن است که در سال ۱۳۵۵ بیش از نیمی از مردان ۱۵ سال و بیشتر محروم از سواد بوده‌اند. در همین سال، جمعیت زنان برابر با ۹/۲ میلیون نفر و تعداد باسوادان ۲/۲ میلیون نفر بوده است که

نشاندهنده ۲۴ درصد میزان باسوادی می‌باشد. بررسی تطبیقی، میزان سواد مردان و زنان در سال ۱۳۵۵، شکاف بسیار عمیق بین زنان و مردان به لحاظ باسوادی را ظاهر می‌سازد. در سال ۱۳۶۵ جمعیت مردان و زنان ۱۵ سال و بیشتر با قدر مطلقهای نسبتاً مساوی رشد کرده، و به ترتیب، به ۱۳/۸ و ۱۳/۲ میلیون نفر رسیده است، تعداد ۸/۷ میلیون نفر مرد باسواد و ۵/۴ میلیون نفر زن باسواد در این سال، میزان باسوادی جمعیت ۱۵ سال و بیشتر را به ۶۲/۹ و ۴۰/۸ رسانده است که نشاندهنده ۱۵ و ۱۶/۸ درصد رشد برای مردان و زنان می‌باشد. در سال ۱۳۷۵، جمعیت مردان ۱۵ سال و بیشتر، حدود ۱۸/۴ میلیون نفر بوده که با ۱۴/۷ میلیون نفر باسواد، ۷۹/۹ درصد میزان باسوادی این جمعیت را آشکار می‌سازد. در همین سال، جمعیت زنان برابر با ۱۷/۹ میلیون نفر و تعداد باسوادان آنها ۱۱/۸ میلیون نفر بوده است که نشاندهنده ۶۶ درصد میزان باسوادی می‌باشد.

بررسی تطبیقی آمار سالهای مذکور نشان می‌دهد که رشد باسوادی در جمعیت زنان بیش از مردان بوده است، که بیانگر کاهش تبعیض جنسی در امر سوادآموزی می‌باشد.

۳-۳. بررسی وضعیت سواد در جمعیت ۱۵ سال و بیشتر به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۵۵، جمعیت ۱۵ سال و بیشتر ایران در مناطق شهری و روستایی، به ترتیب، ۹/۴ و ۹/۳ میلیون نفر بوده است که نشاندهنده توزیع مساوی جمعیت در این مناطق می‌باشد. در این سال، تعداد باسوادان شهری ۵/۲ میلیون نفر و شاخص باسوادی ۵۵/۳ درصد بوده است، در حالی که وجود ۱/۶ میلیون نفر باسواد در روستا، تنها ۱۶/۸ درصد میزان باسوادی در این مناطق را آشکار می‌سازد.

مقایسه این دو شاخص، بیان‌کننده محرومیت شدید روستاها از سواد بوده و با توجه به نسبتهای مساوی جمعیت مناطق شهری و روستایی، شدت عدم تعادل بین این مناطق را به لحاظ سواد در سال مذکور نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۶۵، ترکیب جمعیت این مناطق تغییر کلی کرده است و نسبتهای مساوی سال ۱۳۵۵، به ترتیب، در مناطق شهری و روستایی، به ۵۷ و ۴۳ درصد تحول یافته است.

میزان باسوادی جمعیت ۱۵ سال و بیشتر سال ۱۳۶۵ در مناطق شهری حدود ۶۵/۵ درصد و در مناطق روستایی برابر ۳۴/۵ درصد بوده است که به ترتیب، ۱۰/۲ و ۱۷/۷ درصد رشد را نشان می‌دهد.

در این سال، مردان مناطق شهری با ۷۴/۹ درصد بالاترین و زنان روستایی با ۲۱/۷ درصد کمترین میزان باسوادی را نشان داده‌اند. اما چهار برابر شدن جمعیت زنان باسوادروستایی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ علاوه بر اینکه گسترش آموزش ابتدایی و فعالیتهای سوادآموزی را نشان می‌دهد، ارتقای بینش و فرهنگ جامعه روستایی نسبت به باسوادی زنان روستایی را نیز بیان می‌کند.

در سال ۱۳۷۵، جمعیت ۱۵ سال و بیشتر ایران در مناطق شهری ۲۲/۹ میلیون نفر و مناطق روستایی ۱۳/۳ میلیون نفر بوده است. این ارقام، نشان‌دهنده توزیع نابرابر جمعیت بین شهر و روستا می‌باشد. در این سال، تعداد باسوادان شهر ۱۸/۶ میلیون نفر بوده و شاخص باسوادی ۸۱/۲ درصد بوده است، در حالی که وجود ۷/۸ میلیون نفر باسواد در روستاها، تنها ۵۸/۶ درصد میزان باسوادی را در این مناطق آشکار می‌سازد.

#### جدول ۱. وضع سواد در جمعیت ۱۵ سال و بیشتر به تفکیک جنس، طی سالهای

۱۳۷۵-۱۳۵۵

۱۳۷۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			عنوان
جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	جمع	زن	مرد	
۳۶/۳	۱۷/۹	۱۸/۴	۲۷	۱۳/۲	۱۳/۸	۱۸/۷	۹/۲	۹/۵	کل (میلیون نفر)
۲۶/۵	۱۱/۸	۱۴/۷	۱۴/۱	۵/۴	۸/۷	۶/۷	۲/۲	۴/۵	باسواد (میلیون نفر)
۷۲/۸	۶۶	۷۹/۹	۵۲/۱	۴۰/۸	۶۲/۹	۳۵/۹	۲۴	۴۷/۹	درصد باسوادی

#### ۳-۴. بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر کشور

جمعیت ۶ سال و بیشتر ایران در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۷/۱ میلیون نفر بوده که ۸۰/۵ درصد کل جمعیت کشور را شامل می‌شده است. در سال ۱۳۶۵، جمعیت در این گروه سنی به ۳۸/۷ میلیون نفر افزایش یافته، اما نسبت آن در کل جمعیت به ۷۸/۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش

نشاندنده آن است که در این سال، جمعیت زیر ۶ سال دارای نسبتی بیشتر در کل جمعیت بوده است. در سال ۱۳۷۵، جمعیت این گروه سنی به ۵۲/۲ میلیون نفر و نسبت آن نیز در کل جمعیت به ۸۷/۱ درصد افزایش یافته است که این نسبت حکایت از کنترل جمعیت در کشور و کاهش تعداد دانش آموزان، به ویژه در مقطع ابتدایی در آینده دارد.

تعداد باسواد جمعیت ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۵۵ برابر با ۱۲/۹ میلیون نفر سرشماری شده است که ۴۷/۵ درصد باسواد را ظاهر می سازد. در سال ۱۳۶۵، در حدود ۶۱/۸ درصد جمعیت ۶ سال و بیشتر، یعنی ۲۳/۹ میلیون نفر، باسواد بوده اند. در سال ۱۳۷۵، تعداد باسوادان ۴۱/۵ میلیون نفر بوده است که ۷۹/۵ درصد باسواد را ظاهر می سازد که در مقام مقایسه سالهای مذکور، رشد باسوادی در این جمعیت از روند خوبی برخوردار بوده است.

مقایسه تعداد بی سوادان در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، نشان می دهد که طی این دوره حدود ۳۷۰۰۰۰ نفر بر تعداد بی سوادان افزوده شده است. در واقع، ۱۴/۲ میلیون نفر بی سواد سال ۱۳۵۵، به ۱۴/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، تعداد بی سوادان حدود ۴/۰۸ میلیون نفر کاهش داشته، یعنی از تعداد ۱۴/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵، به تعداد ۱۰/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده که نشان از تأثیر فعالیتهای سوادآموزی طی این دوره است.

### ۳-۵. بررسی وضع سواد در جمعیت ۶ سال و بیشتر بر حسب جنس

#### مردان

در سال ۱۳۵۵، جمعیت مردان ۶ سال و بیشتر، ۱۳/۹ میلیون نفر بوده که با احتساب ۸/۲ میلیون نفر باسواد، شاخص باسوادی ۵۸/۹ درصد را آشکار می سازد. در سال ۱۳۶۵، از ۱۹/۸ میلیون نفر مردان ۶ سال و بیشتر، تعداد ۱۴/۱ میلیون نفر باسواد بوده اند که نشاندنده ۷۱/۱ درصد میزان باسوادی است. در مقایسه مشخص می شود که میزان سواد در مردان ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۶۵، نسبت به شاخص مشابه سال ۱۳۵۵، حدود ۱۲/۲ درصد افزایش یافته است.

در سال ۱۳۷۵، جمعیت مردان ۶ سال و بیشتر، ۲۶/۵ میلیون نفر بوده که با در نظر گرفتن ۲۲/۴ میلیون نفر باسواد، شاخص باسوادی ۸۴/۶ درصد را نشان می دهد که در مقایسه با سال ۱۳۶۵، این شاخص، ۱۳/۵ درصد رشد داشته است.



تعداد بی سوادان در میان مردان ۶ سال و بیشتر در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، از ۵/۷ میلیون نفر، به ۵/۶ میلیون نفر و طی سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵، این رقم، از ۵/۶ میلیون نفر، به ۴/۰۶ میلیون نفر کاهش یافته است که نشاندهنده افزایش نرخ باسوادی، بهبود امر آموزش و وضع سواد مردان طی دوره مورد بحث می باشد.

### زنان

جمعیت زنان ۶ سال و بیشتر در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۳/۲ میلیون نفر سرشماری شده است که با ۴/۷ میلیون نفر باسواد حدود ۳۵/۵ درصد باسوادی را ظاهر می سازد. تعداد زنان باسواد ۶ سال و بیشتر، در سال ۱۳۶۵، معادل ۹/۸ میلیون نفر در کل جمعیت ۱۸/۹ میلیون نفری زنان بوده است که حاکی از ۵۲/۱ درصد میزان باسوادی می باشد که این شاخص، با سال ۱۳۵۵، حدود ۱۶/۶ درصد اختلاف را نشان می دهد. در سال ۱۳۷۵، جمعیت زنان ۶ سال و بیشتر، حدود ۲۵/۷ میلیون نفر سرشماری شده است که با ۱۹/۱ میلیون نفر باسواد، حدود ۷۴/۲ درصد باسوادی را ظاهر می سازد که شاخص باسوادی سال ۱۳۶۵ رشدی در حدود ۲۲/۱ درصدی را نشان می دهد.

در سال ۱۳۵۵، بالغ بر ۸/۵ میلیون نفر بی سواد در جمعیت زنان ۶ سال و بیشتر وجود داشته است، تعداد بی سوادان زن در همین گروه سنی، در سال ۱۳۶۵، حدود ۸/۹ میلیون نفر بوده است. این ارقام، نشان می دهد که قدر مطلق تعداد بی سوادان در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است و این رقم در سال ۱۳۷۵، نسبت به سال ۱۳۶۵، حدود ۲/۳ میلیون نفر کاهش یافته است. یعنی تعداد بی سوادان زن این گروه سنی در سال ۱۳۷۵ به حدود تعداد ۶/۶ میلیون نفر تنزل یافته است.

مقایسه میزان باسوادی مردان و زنان ۶ سال و بیشتر در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، بیان کننده این واقعیت است که ۲۳/۴ درصد اختلاف در سال ۱۳۵۵ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است و در سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۵ درصد کاهش یافته است. البته این تفاوتها، نشان می دهد که در مورد توزیع آموزش و سواد بین جمعیت زنان و مردان تعادل لازم وجود نداشته و ندارد. با این همه، کاهش اختلاف بدین معناست که روند فعالیتها در جهت بهبود شاخصها و ایجاد تعادل نسبی می باشد.

### ۳-۶. بررسی وضع سواد جمعیت ۶ سال و بیشتر به تفکیک مناطق شهری و روستایی

همان گونه که در جدول نمایان است، در سال ۱۳۵۵ کمتر از ۵۰ درصد جمعیت ۶ سال و بیشتر ایران، یعنی حدود ۱۳/۲ میلیون نفر، در مناطق شهری سکونت داشته‌اند. وجود ۸/۶ میلیون نفر باسواد در این جمعیت شاخص ۶۵/۵ درصد باسواد را برای مناطق شهری ظاهر می‌سازد. در سال ۱۳۶۵، جمعیت ۶ سال و بیشتر مناطق شهری، معادل ۲۱/۲ میلیون نفر بوده است که با ۸ میلیون نفر افزایش در طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، بیان‌کننده ۴/۸ درصد رشد متوسط سالانه جمعیت در مناطق شهری می‌باشد.

از جمعیت شهری ۶ سال و بیشتر سال ۱۳۶۵، حدود ۷۳/۱ درصد باسواد بوده‌اند که شامل ۱۵/۵ میلیون نفر می‌شود. در مقایسه، می‌بینیم که میزان باسوادی در جمعیت مناطق شهری این گروه سنی در فاصله دو مقطع ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، ۷/۶ درصد بالاتر رفته است.

در سال ۱۳۷۵، از جمعیت ۶ سال و بیشتر، حدود ۳۲/۴ میلیون نفر، یعنی ۶۲/۱ کل این جمعیت، در مناطق شهری سکونت داشته‌اند. وجود ۲۷/۸ میلیون نفر باسواد، در این جمعیت، شاخص ۸۵/۷ درصد باسواد را برای مناطق شهری سال ۱۳۷۵ نمایان می‌سازد.

در مقایسه تطبیقی سالهای مذکور، آشکار می‌شود که طی دوره سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، یک میلیون نفر به جمع بی‌سوادان این گروه افزوده شده است و طی دوره، بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، یک میلیون نفر کاهش در مجموعه بی‌سوادان این گروه رخ داده است. این روند، نشان‌دهنده این موضوع است که طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، افزایش قدر مطلق بی‌سواد، به رغم افزایش میزان سواد در جمعیت ۶ سال و بیشتر مناطق شهری، دربرگیرنده دو نکته مهم است: اول آنکه آموزش رسمی و فعالیت سوادآموزی در مناطق شهری گسترده‌تری و وسعت بیشتری یافته است. دوم آنکه مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهر و سکونت آنان در حاشیه شهرها، همراه با محرومیت از امکانات و جاذبه شغلهای کاذب، تعداد بی‌سوادان شهر را این گونه افزایش داده است. کاهش تعداد بی‌سوادان شهری در این گروه، بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، نشان‌دهنده تأثیر سیاستگذارهای سوادآموزی و گسترش پوشش ابتدایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها می‌باشد.

۴/۳ میلیون نفر باسواد در جمعیت ۱۳/۹ میلیون نفری ۶ سال و بیشتر مناطق روستایی،

شاخص  $30/5$  درصد باسوادی را در سال ۱۳۵۵ آشکار می‌سازد. در سال ۱۳۶۵، جمعیت ۶ سال و بیشتر این مناطق برابر با  $17/3$  میلیون نفر، تعداد باسوادان  $8/4$  میلیون نفر و باسوادی  $48/4$  درصد بوده است که در مقایسه بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، درصد باسوادی در این گروه سنی  $17/9$  درصد بیشتر شده است. در سال ۱۳۷۵، در این گروه سنی، در مناطق روستایی  $19/6$  میلیون نفر با تعداد  $13/6$  میلیون نفر باسواد سکونت داشته‌اند که نشان‌دهنده  $69/6$  درصد باسوادی می‌باشد. درصد باسوادی این سال نسبت به سال ۱۳۶۵،  $21/2$  درصد افزایش داشته است که نسبت به دهه پیش از آن، یعنی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۶۵، رشد سریعتری در درصد باسوادی دیده می‌شود.

### تعداد باسواد کل کشور به تفکیک جنس و مناطق در سال ۱۳۷۵

تعداد بی‌سوادان در این جمعیت، از ۹/۷ میلیون نفر، به ۹ میلیون نفر طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ کاهش یافته است. طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، این رقم به ۵/۹ میلیون نفر کاهش یافته است.

کاهش تعداد بی‌سوادان روستاها و افزایش تعداد بی‌سوادان شهرها، در کنار تغییر نسبت جمعیت مناطق شهری و روستایی (در جمعیت کل کشور) تعبیری جز مهاجرت از روستا به شهر و تغییر عناوین مناطق از روستایی به شهری ندارد. در سال ۱۳۵۵، جمعیت ۶ سال و بالاتر مناطق شهری و روستایی، به ترتیب، نسبتهای ۴۸/۶ و ۵۱/۳ را در کل جمعیت مربوطه نشان می‌دهد، در حالی که در سال ۱۳۶۵، نسبتهای مزبور، به ۵۴/۸ و ۴۵/۲ تغییر یافته است. در سال ۱۳۷۵، این نسبتها به ۶۲/۱ و ۳۷/۵ تغییر کرده است. بنابراین، با توجه به این تغییر نسبت در جمعیت مناطق شهری و روستایی و افزایش میزان سواد در هر یک، طی دوره‌های مذکور، آشکار می‌شود که رشد سواد در مناطق روستایی ظاهری بوده و بیشتر محصول تحولات و تحرک جمعیت در مناطق جغرافیایی کشور است.

#### ۴. بررسی وضع سواد در گروههای سنی در دوره ۱۳۷۵-۱۳۵۵

بررسی وضع سواد در گروههای سنی مختلف، یکی از شاخصهای بسیار مهم بررسی وضع سواد در جوامع به شمار می‌رود. گروه سنی ۶-۹ سال ایران در سال ۱۳۵۵، جمعیتی بالغ بر ۴۱۱۰۳۴۵ نفر داشته که از این تعداد، ۷۱/۶ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۵۶، جمعیت این گروه سنی به ۵۸۳۴۵۸۶ نفر رسیده که از این تعداد ۸۲/۶ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۷۵، جمعیت این گروه سنی به ۶۸۹۱۱۴۶ نفر افزایش یافته است که از این تعداد، ۹۲/۳ درصد باسواد بوده‌اند. در مقایسه این ارقام، استنباط می‌شود که در این گروه سنی که در حقیقت کودکان لازم‌التعلیم را شامل می‌شود، درصد باسوادی رو به افزایش است که نشان از تلاش در جهت تحت پوشش قرار دادن آموزش ابتدایی به طور کامل می‌باشد.



در گروه سنی ۱۰-۱۴ ساله در سال ۱۳۵۵، تعداد کل جمعیت ۳۱۱۸۰۴۳ نفر بوده که از این تعداد ۷۴/۱ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۶۵، تعداد کل این گروه سنی ۳۳۰۰۵۹ نفر بوده که از این تعداد ۸۵/۱ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۷۵، در این گروه سنی ۶۷۶۰۸۰۹ نفر تعداد کل جمعیت این گروه را تشکیل می‌داده که از این تعداد ۹۶/۳ درصد باسواد بوده‌اند.

در گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله در سال ۱۳۵۵، کل جمعیت ۶۳۹۲۴۸۰ نفر بوده است که از این تعداد، ۵۶/۱ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۶۵، کل جمعیت این گروه سنی بالغ بر ۹۳۸۵۲۶ نفر بوده که از این تعداد، ۷۵/۳ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۷۵، در این گروه سنی کل جمعیت ۲۹۵۲۳۳۷۵۲۹ نفر بوده که از این تعداد ۹۲/۹ درصد باسواد بوده‌اند.

در مقایسه سالهای مختلف در این گروه سنی، همچون دیگر گروه‌های سنی، میزان باسوادی روندی افزایشی داشته است.

در گروه سنی ۲۵-۳۹ ساله در سال ۱۳۵۵، جمعیتی بالغ بر ۵۴۴۵۲۰۱ نفر بوده که از این جمعیت، ۳۵/۶ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۶۵، در این گروه سنی جمعیت به حدود ۸۶۹۷۴۹۱ نفر افزایش یافته که از این تعداد ۵۴/۹ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۷۵ تعداد کل جمعیت این گروه سنی مشتمل بر ۱۲۲۶۰۹۹۹ نفر بوده که از این تعداد، ۸۰/۸ درصد باسواد بوده‌اند. در بررسی تطبیقی آمار مربوط به این گروه سنی آشکار می‌شود که روند تحول در سوادآموزی با یک نسبت تقریباً مساوی در بین سالهای مورد مطالعه، در حال افزایش نسبت باسوادان بوده، و از نظر قدر مطلق، اگرچه تعداد بی‌سوادان در سال ۱۳۶۵ نسبت به ۱۳۵۵ افزایشی در حد ۳۹۹۴۲۵ نفری داشته، ولی در سال ۱۳۷۵ کاهش بی‌سوادی قابل توجه بوده است و تعداد ۱۵۴۸۸۴۸ نفر از تعداد کل بی‌سوادان در سال ۱۳۶۵ در این سال کاسته شده است.

در گروه سنی ۴۰ ساله و بالاتر در سال ۱۳۵۵، تعداد کل جمعیت ۶۸۶۱۷۰۰ نفر با ۱۷/۹ درصد باسواد بوده و در سال ۱۳۶۵ در این گروه سنی تعداد جمعیت ۸۸۸۷۵۷۶ نفر رسیده که از این تعداد ۲۵/۳ درصد باسواد بوده‌اند. در سال ۱۳۷۵، تعداد کل جمعیت این گروه سنی به ۱۱۷۲۴۶۲۹ نفر با تعداد ۴۳/۷ درصد باسواد رسیده است.

در مقایسه ارقام سالهای یادشده، در این گروه سنی، آشکار می شود که سیر سوادآموزی روندی افزایشی داشته و به ویژه طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ رشد باسوادی قابل توجهی داشته ایم. ولی تعداد بی سوادان در سال ۱۳۷۵، نسبت به سال ۱۳۶۵، تعداد ۱۱۴۳۳ نفر افزایش داشته است. در مقایسه تمام گروههای سنی بیشترین آمار بی سوادان در سال ۱۳۷۵، در گروه سنی ۴۰ ساله و بالاتر، و کمترین تعداد در گروه سنی ۱۱-۱۴ سال وجود دارد.

جدول ۳. وضع سواد در گروههای سنی، طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۷۵

سال	گروههای سنی	کل جمعیت	باسوادان	درصد باسوادی
۱۳۵۵	۶-۹ ساله	۴۱۱۰۳۴۵	۲۹۴۲۹۹۳	۷۱/۶
	۱۰-۱۴ ساله	۴۳۰۳۱۱۸	۳۱۸۴۳۸۹	۷۴
	۱۵-۲۴ ساله	۶۳۹۲۴۸۰	۳۵۸۸۷۰۶	۵۶/۱
	۲۵-۳۹ ساله	۵۴۴۵۲۰۱	۱۹۳۷۶۰۹	۳۵/۵
	۴۰ ساله و بیشتر	۶۸۶۱۷۰۰	۱۲۲۳۳۷۸	۱۷/۷
۱۳۶۵	۶-۹ ساله	۵۸۳۴۵۸۶	۴۸۲۱۹۴۴	۸۲/۶
	۱۰-۱۴ ساله	۵۹۰۳۳۰۰	۵۰۲۴۶۱۳	۸۵/۳
	۱۵-۲۴ ساله	۹۳۸۵۹۲۶	۷۰۴۴۲۵۶	۷۵/۳
	۲۵-۳۹ ساله	۸۶۹۷۴۹۱	۴۷۷۳۸۷۸	۵۴/۸
	۴۰ ساله و بیشتر	۸۸۱۷۵۷۶	۲۲۴۸۵۰۴	۲۵/۸
۱۳۷۵	۶-۹ ساله	۶۸۹۱۱۴۶	۶۳۶۱۴۳۷	۹۲/۳
	۱۰-۱۴ ساله	۹۰۸۰۶۷۶	۸۷۴۰۰۲۴	۹۶/۲
	۱۵-۲۴ ساله	۱۲۳۳۷۵۲۹	۱۱۴۵۶۸۳۷	۹۲/۹
	۲۵-۳۹ ساله	۱۲۲۶۰۹۹۹	۹۹۰۲۸۳۰	۸۱/۸
	۴۰ ساله و بیشتر	۱۱۷۲۴۶۲۹	۵۱۲۱۱۴۹	۴۳/۷

مأخذ: آمار نهضت سوادآموزی.

تعداد بی سوادان در گروههای سنی مختلف در سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵

##### ۵. بررسی وضع سواد شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر

یکی از مسائل مهمی که باید به آن پردازیم، مسئله سواد در گروههای شغلی است که تاکنون دستگاہهای ذی ربط به آن توجه چندانی نکرده‌اند. شناسایی وضع سواد در گروههای شغلی، مدخل مناسبی برای ریشه کنی بی سوادی در جامعه به شمار می رود و می تواند شاخص مفیدی برای برنامه ریزی در این زمینه باشد.

با توجه به نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، در کشور ما تعداد ۱۴۵۷۱۵۷۲ نفر شاغل ۱۰ ساله و بالاتر وجود دارد که از این تعداد، ۳۱۲۳۵۱۳ نفر بی سواد هستند که آشکارکننده ۲۱/۴ درصد بی سوادی در جامعه شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر می باشد. براساس بررسیهای انجام شده،



از کل بی سوادان در جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر، حدود ۵۱/۵ درصد در بخش کشاورزی و ۱۱/۸ درصد در بخش صنعت و معدن و ۱۶/۷ درصد در بخش ساختمان و آب و برق و ۲۰ درصد در بخش خدمات توزیع شده است که نشان‌دهنده بیشترین درصد بی سوادی در بخش کشاورزی است. با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور، لزوم توجه به این بخش در زمینه آموزش عمومی کاملاً ضروری است.

درصد بالای بی سوادی در جمعیت کشاورز ممکن است مربوط به پراکندگی جمعیت روستاییان و کمبود امکانات در روستاهای کشور، سنتی بودن کشاورزی و سختی کار، فصلی بودن کشاورزی و عدم تخصیص درست منابع باشد.

در بررسی‌های به عمل آمده، مشخص شده که در جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر در سال ۱۳۷۵، از نظر تفکیک جنس، از کل شاغلان کشور، تعداد کل مردان ۱۲۸۰۶۱۷۰ نفر می‌باشد که تعداد آنها بی سوادند که درصد بی سوادی در این جمعیت ۲۱/۶ درصد است. همچنین تعداد کل زنان در این گروه ۱۷۶۵۴۰۲ نفر می‌باشد که از این تعداد ۳۵۵۵۷۹ نفر بی سوادند که درصد بی سوادی، ۲۰/۱ درصدی را آشکار می‌سازد.

همچنین از نظر وضع سواد شاغلان در مناطق مختلف می‌توانیم به تفکیک شهری و روستایی شاغلان اشاره کنیم، به طوری که در مناطق شهری، کل جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر در سال ۱۳۷۵ به تعداد ۸۷۹۹۴۲۳ نفر رسیده است. از این تعداد، ۱۱۲۰۸۷۲ نفر بی سوادند که آشکارکننده میزان ۱۲/۷ درصد بی سوادی است. در مناطق روستایی تعداد کل جمعیت ۵۷۱۰۸۱۳ نفر بوده که از این تعداد، ۱۹۶۱۲۸۴ نفر بی سوادند که مشخص‌کننده ۳۴/۳ درصد بی سوادی است.

در بررسی گروه‌های عمده شغلی، شغل‌های مختلف را به گروه‌های کشاورزی، صنعت و معدن، ساختمان و آب و برق، و خدمات طبقه‌بندی می‌کنیم. در بخش کشاورزی، شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر تعداد ۳۳۵۷۲۶۳ نفر می‌باشند. از این تعداد، ۱۶۰۷۸۹۹ نفر بی سواد هستند که نشان‌دهنده ۴۷/۹ درصد بی سوادی در این بخش می‌باشد، در حالی که در بخش صنعت و معدن، تعداد کل افراد شاغل ۲۶۷۱۸۴۶ نفر با تعداد ۳۶۹۲۶۴ نفر بی سوادند که میزان بی سوادی ۱۳/۸ درصدی را مشخص می‌سازد. در بخش ساختمان، آب و برق، تعداد کل شاغلان ۱۸۰۱۱۱۲ نفر، با تعداد ۵۲۱۰۸۳ نفر بی سواد می‌باشند که میزان ۲۸/۹ درصد بی سوادی را در این بخش نشان می‌دهد. در بخش

خدمات، تعداد کل جمعیت شاغلان ۶۷۴۱۳۵۱ نفر است. از این تعداد، ۶۲۵۲۶۷ نفر بی سوادند که نشاندهنده ۹/۲ درصد بی سواد می باشد.

همان طور که از آمار بر می آید، بخشهایی از گروههای شغلی که در شهرها و حوزه نفوذ آنها قرار دارد، با توجه به فعالیتهای سوادآموزی در این مناطق و وجود امکانات بیشتر و برخورداری از منابع اطلاع رسانی فرهنگی، میزان درصد بی سواد کمتر می باشد. همچنین نشاندهنده این واقعیت است که دستگاههای مربوط به سوادآموزی باید در بخش کشاورزی، و بعد از آن، ساختمان و آب و برق، سرمایه گذاری معنوی و مادی بیشتری نمایند تا شاید بابرنامه ریزی درست طی برنامه سوم توسعه بتوانیم معضل بی سواد پایه را در کشور ریشه کن کنیم.

در جدول ۴، وضع سواد شاغلان به تفکیک گروههای شغلی و جنسی در سال ۱۳۷۵، ارائه شده است.

#### ۶. مقایسه وضعیت بی سواد در کشورهای مختلف

در آغاز دهه ۱۹۹۰، شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی آموزش برای همه، در جامتین، بیانیه ای صادر نمودند و در آن اعلام کردند که تمام افراد، اعم از کودکان، جوانان و بزرگسالان باید بتوانند از فرصتهای آموزشی برنامه ریزی شده، برای برآورده ساختن نیازهای یادگیری پایه بهره مند گردند. اما پس از گذشت تقریباً یک دهه از زمان کنفرانس جامتین، بی سواد همچنان یکی از مشکلات عظیم کشورهای در حال توسعه است. البته از آن زمان، شماری از کشورها، برنامه های سوادآموزی موفق را اجرا نموده اند.

پژوهشهای به عمل آمده، حاکی از آن است که امروزه کشورها، به طور متوسط، سالانه رقمی معادل ۲۰۰۰۰ دلار برای نگهداری از یک سرباز در پادگان هزینه می کنند، در حالی که هزینه آموزش و پرورش یک کودک از رقم ۳۵۰ دلار در سال فراتر نمی رود. به علاوه، طبق برآوردهای به عمل آمده، اجرای برنامه های ناظر به تعمیم آموزش و پرورش ابتدایی و ریشه کنی بی سواد در دنیا، سالانه هزینه ای معادل ۵ تا ۶ میلیارد دلار دربر خواهد داشت که این رقم، مخارج نظامی تنها چند روز کشورهای توسعه یافته را تشکیل می دهد.



هم‌اکنون در دنیابیش از یک میلیارد انسان بی‌سواد وجود دارد که بیشتر آنان زنان و روستاییان هستند. این افراد بیشتر در کشورهای فقیر جهان سوم، به ویژه در آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی زندگی می‌کنند.

در جدول ۵، نرخ بی‌سوادی برخی از کشورها مقایسه شده است. در بین ۳۰ کشور منتخب، ایران با ۲۰/۵ درصد بی‌سوادی، در مرتبه هیجدهم قرار دارد. اسلونی با ۰/۵ درصد در نخستین رده، و نیجر با ۸۶/۴ درصد بی‌سوادی، در آخرین رده قرار گرفته است.

جدول ۵. مقایسه درصد بی‌سوادی برخی از کشورها در سال ۱۹۹۵ میلادی

ردیف	نام کشور	درصد بی‌سوادی
۱	اسلونی	۰/۵
۲	کره جنوبی	۲
۳	روسیه	۲
۴	کانادا	۳/۴
۵	کوبا	۴/۳
۶	فلسطین اشغالی	۴/۴
۷	فیلیپین	۵/۴
۸	ویتنام	۶/۳
۹	لبنان	۷/۶
۱۰	اردن	۱۳/۴
۱۱	بحرین	۱۴/۸
۱۲	برزیل	۱۴/۸
۱۳	اندونزی	۱۶/۲
۱۴	مالزی	۱۶/۵
۱۵	ترکیه	۱۷/۸

## ادامه جدول ۵

ردیف	نام کشور	درصد بی سواد
۱۶	آفریقای جنوبی	۱۸/۲
۱۷	چین	۱۸/۵
۱۸	ایران	۲۰/۵
۱۹	سوریه	۲۰/۶
۲۰	قطر	۲۰/۶
۲۱	پرتقال	۲۰/۶
۲۲	امارات	۲۰/۸
۲۳	کویت	۲۱/۴
۲۴	لیبی	۲۳/۸
۲۵	هند	۴۸
۲۶	مصر	۴۸/۶
۲۷	بنگلادش	۶۱/۹
۲۸	پاکستان	۶۲/۲
۲۹	افغانستان	۶۸/۵
۳۰	نیجر	۸۶/۴

مأخذ: سالنامه آماری یونسکو، ۱۹۹۷.

### ۷. مشکلات و تنگناهای سوادآموزی در ایران

موانع متعددی در مسیر سوادآموزی کشورمان وجود دارد. در یک نگاه کلی، می‌توانیم آنها را به دو دسته عوامل بیرونی دستگاه‌های مسئول سوادآموزی و عوامل درونی آنها تقسیم کنیم. مهمترین آنها را می‌توان به شرح زیر برشمرد.

(۱) عدم پوشش کامل کودکان لازم‌التعلیم در نتیجه مسدود نشدن مبادی ورودی بی‌سواد.

- ۲) دشوار شدن فعالیتهای سوادآموزی به دلیل تغییر شرایط و عناصر مرتبط با آن.
- ۳) عدم تناسب اعتبارات تخصیصی به دلیل نادیده گرفتن شرایط و عناصر ذی مدخل در فعالیتهای سوادآموزی، که نتایج زیر را دربردارد:
  - الف) نازل بودن حقوق و مزایای آموزشیاران و عدم تطابق آن با شرایط دشوار کاری آنها.
  - ب) کم‌رنگ شدن عوامل انگیزشی به دلیل حذف عنصر تشویق.
  - ج) تنزل میزان رضایتمندی شغلی کارکنان.
  - ۴) برخورد صنفی و تخریبی دستگاههای فرهنگی و آموزشی با فعالیتهای و برنامه‌های سوادآموزی، و در برخی موارد، ایجاد بحرانهای سازمانی.
  - ۵) نبود زمینه‌های عملی برای توسعه و تعمیق وظایف سازمانی با توجه به ضرورت‌های زمانی.
  - ۶) عدم حمایت فراگیر دست‌اندرکاران سیاستهای کلان‌کشوری در نتیجه نازل بودن همکاریهای بین بخشی با سازمان.
  - ۷) نبود تقاضا برای آموزش به دلیل اولویت دادن مخاطبان به نیازهای دیگر خود.
  - ۸) پراکندگی وسیع جغرافیایی جمعیت در کشور و کاهش نفوس در روستاها.
  - ۹) کاربردی و حرفه‌ای نبودن سوادآموزی در کشور.
  - ۱۰) عدم به کارگیری ابزارهای مختلف در امور سوادآموزی.
  - ۱۱) ضعف تبلیغاتی دستگاههای مرتبط با سوادآموزی.
  - ۱۲) عدم نظارت بر سوادآموزی از سوی مسئولان بالای مملکتی یا مجلس شورای اسلامی.
  - ۱۳) عدم مدیریت علمی و مؤثر در امور سوادآموزی کشور.

## ۸. پیشنهادها و راه حلها

عمدتاً بحث از فرهنگ و مسائل مربوط به آن بسیار ابعاد وسیعی دارد و باید از جنبه‌های مختلف به آن بنگریم. سوادآموزی و مشکلات مربوط به آن که یکی از معضلات اصلی کشور ماست از این دست مقولات می‌باشد. با وجود این، در جهت پیشبرد هدفهای سوادآموزی، پیشنهادهای زیر را ارائه می‌نماییم:

- ۱) بررسی جامع و جدی جایگاه سوادآموزی در سیاستهای کلان کشور.
- ۲) تخصیص اعتبارات مناسب با میزان فعالیتهای سوادآموزی کشور، و اولویت بخشی فعالیتهای سوادآموزی در دوره مقدماتی و لازم‌التعلیم و استانهای غیر برخوردار.
- ۳) با توجه به زمینه‌های مثبت فرهنگی در مردم، استفاده کامل از دستگاههای تبلیغی در امور سوادآموزی.
- ۴) کاربردی و حرفه‌ای کردن سوادآموزی در کشور (متناسب با نیاز افراد).
- ۵) ایجاد نظام نظارتی بر فعالیتهای سوادآموزی کشور (مسئولان سوادآموزی پاسخگوی فعالیتهایشان باشند).
- ۶) به‌کارگیری اصول آموزشهای مداوم برای جلوگیری از بازگشت به بی‌سوادی.
- ۷) ارائه تعریف مناسب از سواد و سوادآموزی در کشور.
- ۸) تعیین حیطه فعالیتهای نهضت سوادآموزی و وزارت آموزش و پرورش.
- ۹) تا حد ممکن ایجاد اولویتهای اجتماعی و اقتصادی برای سوادآموزان و آموزشیاران.
- ۱۰) ایجاد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی سوادآموزی.

جدول ۲. جمعیت باسواد به تفکیک مناطق و جنس طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۷۵

روستایی			شهری			کل			جمعیت	
درصد باسوادی	جمعیت باسواد	کل جمعیت	درصد باسوادی	جمعیت باسواد	کل جمعیت	درصد باسوادی	جمعیت باسواد	کل جمعیت	جنس	سال
۱۷/۳	۱۱۹۶۲۴۲	۶۹۲۴۱۵۳	۷۴/۴	۵۱۴۵۳۹۳	۶۹۱۹۴۶۸	۵۸/۹	۸۱۹۷۹۸۷	۱۳۹۲۵۵۹۱	مرد	۱۳۵۵
۴۳/۶	۳۰۵۲۵۹۴	۷۰۰۶۱۲۳	۵۵/۶	۳۴۸۲۸۴۶	۶۲۶۳۱۰۰	۳۵/۵	۴۶۷۹۰۸۸	۱۳۱۸۷۲۵۳	زن	
۳۰/۵	۴۲۴۸۱۸۳۶	۱۳۹۳۰۲۷۶	۶۵/۵	۸۶۲۸۲۳۹	۱۳۱۸۲۵۶۸	۴۷/۵	۱۲۸۷۷۰۷۵	۲۷۱۱۲۸۴۴	جمع	
۶۰	۵۲۸۶۷۵۳	۸۸۱۸۳۷۱	۸۰/۴	۸۷۶۴۷۲۵	۱۰۹۰۶۶۷۶	۷۱	۱۴۰۷۷۸۹۶	۱۹۸۲۲۱۵۵	مرد	۱۳۶۵
۳۶/۳	۳۰۸۳۸۹۰	۸۴۸۱۴۹۰	۶۵/۴	۶۷۴۱۹۴۱	۱۰۳۰۳۶۲۷	۵۲/۱	۹۸۳۵۲۹۹	۱۸۸۸۶۷۲۴	زن	
۴۸/۴	۸۳۷۰۶۴۳	۱۷۳۰۶۸۶۱	۷۳/۱	۱۵۵۰۶۶۶۶	۲۱۲۱۰۳۰۳	۶۱/۸	۲۳۹۱۳۱۹۵	۳۸۷۰۸۸۷۹	جمع	
۷۶/۷	۷۵۶۴۵۱۲	۹۸۵۶۹۶۳	۸۹/۶	۱۴۸۶۰۹۱۹	۱۶۵۹۲۵۱۲	۸۴/۷	۲۲۴۶۴۷۱۸	۲۶۵۳۳۵۷۲	مرد	۱۳۷۵
۶۲/۴	۶۰۹۶۳۶۹	۹۷۶۷۶۰۳	۸۱/۷	۱۲۹۹۵۸۲۱	۱۵۹۰۷۱۳۷	۷۴/۲	۱۹۱۱۷۵۵۹	۲۵۷۶۱۴۰۷	زن	
۶۹/۶	۱۳۶۶۰۸۸۱	۱۹۶۲۴۵۶۶	۸۵/۷	۲۷۸۵۶۷۴۰	۳۲۴۹۹۶۴۹	۷۹/۵	۴۱۵۸۲۲۷۷	۵۲۲۹۴۹۷۹	جمع	

آمار این جدول، شامل جمعیت ۶ سال و بیشتر می باشد.



جدول ۴. وضع سواد شاغلان ۱۰ ساله و بالاتر به تفکیک گروههای عمده شغلی و جنس در سال ۱۳۷۵

زن			مرد			کل			عنوان
درصد	بی سوادان	کل جمعیت	درصد	بی سوادان	کل جمعیت	درصد	بی سوادان	کل جمعیت	
۵۸/۸	۱۷۳۴۱۰	۲۹۴۴۶۵	۴۶/۸	۱۴۳۴۴۸۹	۳۰۶۲۷۹۸	۴۷/۹	۱۶۰۷۸۹۹	۳۳۵۷۲۶۳	کشاورزی
۲۳/۱	۱۳۶۰۸۵	۵۸۷۸۵۵	۱۱/۱	۲۳۳۱۷۹	۲۰۸۳۹۹۱	۱۳/۸	۳۶۹۲۶۴	۲۶۷۱۸۴۶	صنعت و معدن
۱۷	۳۶۱۱	۲۱۱۹۱	۲۹	۵۱۷۴۷۲	۱۷۷۹۹۲۱	۲۸/۹	۵۲۱۰۸۳	۱۸۰۱۱۱۲	ساختمان و آب و برق
۴/۹	۴۲۴۷۳	۸۶۱۸۹۱	۹/۹	۵۸۲۷۹۴	۵۸۷۹۴۶۰	۹/۲	۶۲۵۲۶۷	۶۷۴۱۳۵۱	خدمات
۲۰/۱	۳۵۵۵۷۹	۱۷۶۵۴۰۲	۲۱/۶	۲۷۶۷۹۳۴	۱۲۸۰۶۱۷۰	۲۱/۴	۳۱۲۳۵۱۳	۱۴۵۷۱۵۷۲	جمع

مأخذ: سرشماری سال ۱۳۷۵.